



دیدگاه هایی در داروشناسی و سم شناسی دامپزشکی

فاطمه درویشی^۱، عالیه کاظم زاده^۱

۱. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی دامپزشکی دانشگاه سمنان

a.kazemzade@13341362.gmail.com

مقدمه: فارماکولوژی و سم شناسی دامپزشکی شاخه های مهمی هستند که پیوسته در حال تغییرند. در توسعه یک داروی جدید سم شناسی تعیین کننده شکست یا موفقیت دارو هستند. در گونه های مختلف حیوانی تفاوت های بسیاری در متابولیسم و دفع مواد شیمیایی وجود دارد. سم شناسی برای کنترل باقی مانده های دارویی در بدن حیوانات و اندازه گیری غلظت آلاینده ها و آفت کش ها در غذا به کار می رود و اخذ نمونه از پلاسما، بافت، کبد، پر و مو و ... انجام می گیرد. فارماکولوژی دزهای درمانی و سم شناسی دزهای مسمومیت زای یک دارو را نشان می دهند. وظیفه مشترک این دو علم این است که مخاطرات را در رابطه با اکوسیستم، انسان و حیوان کاهش دهند. روش کار: یک پیش نیاز برای انجام مطالعات بالینی انجام آزمایش سم شناسی برای شناخت اثرات سمی داروها با دز بالاتر از دز درمانی است. با این شناخت می توان دارو را در بهترین دز و فاصله زمانی تجویز کرد و به بهترین نقطه اثربخشی دارو رسید. سم شناسان دامپزشکی باید بدانند چه موادی سمی هستند، محل اثر آن ها کجاست و روند مسمومیت زایی چیست؛ ارزیابی سمیت برای انسان و حیوان همراه، شناخت نوع ماده سمی و درمان آن است. رابطه بین فارماکوکینتیک و اثرات دارویی توسط PK/PD نشان داده می شود که PK رابطه بین دز، متابولیسم و زمان را بیان می کند و PD رابطه بین غلظت و زمان را بیان می کند. تاثیر مواد سمی بر نحوه بیان ژن ها نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. در این رابطه ژن های کدکننده پروتئین در DNA و نحوه تنظیم بیان ژن توسط RNA مورد بررسی قرار می گیرند؛ از طریق تست هایی مانند HTS و ... می توان اثرات سمی روی DNA را بررسی کرد. نتیجه گیری: سم شناسی میزان سموم دفع شده توسط حیوانات نظیر تخم مرغ، گوشت، شیر و ... را ردیابی می کند. این محصولات ممکن است دارای مقادیر زیادی فلزات سنگین، سموم قارچی و باکتریایی باشند.

کلمات کلیدی: فارماکولوژی دامپزشکی، سم شناسی دامپزشکی، دز دارویی، دز سمیت، فارماکوکینتیک

بررسی میزان شیوع آلودگی انگلی سیستی سرکوس گوسفند کشتاری در کشتارگاه های صنعتی استان قم در فصول

مختلف سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

مهسا فتح آبادی^{۱*}، مهدی مهدوی نکو^۲، مرضیه کفایت^۳، سارا کریمی^۱

۱. دانشجوی دکتری دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

۲. عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

۳. استادیار، گروه پاتوبیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، الرز، ایران

mahsa.fathabadi.ac@gmail.com

چکیده: بیماری های انگلی در نشخوارکنندگان حائز اهمیت فراوانی بوده و در این میان کرم های پهن از جایگاه ویژه ای برخوردارند، چرا که می توانند در طول زمان موجب خسارات اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم زیادی شوند. به این منظور، تعداد ۱۵۲۱۱۳۰ راس گوسفند کشتار شده در کشتارگاه استان قم در مدت ۵ سال مورد بازرسی قرار گرفت. براساس یافته های این مطالعه، میزان شیوع آلودگی انگلی سیستی سرکوس کبیدی به طور میانگین به تفکیک فصول بهار، تابستان، پاییز و زمستان در کل دام ها به ترتیب ۰/۰۲۹، ۰/۰۲۱، ۰/۰۳۵ و ۰/۰۴۲ درصد است. با توجه به نتایج این مطالعه میزان بیش ترین و کم ترین شیوع این انگل به ترتیب در فصول زمستان و بهار است که به نوعی با افزایش میزان رطوبت و بارندگی می تواند نسبت داشته باشد. هدف از این مطالعه، بررسی میزان شیوع آلودگی انگلی سیستی سرکوس در فصول مختلف کشتارگاه های سطح استان قم است تا آمار مناسبی به منظور اطلاع از میزان شیوع این نوع انگل در فصول مختلف سال در جهت اقدامات پیش گیری کننده از انتقال این آلودگی ها و درمان این عوامل در اختیار سازمان های مرتبط قرار گیرد.

کلمات کلیدی: بیماری انگلی، سیستی سرکوس، گوسفند، کشتارگاه